

بررسی تطبیقی پنج برنامه توسعه کشور پیرامون دستیابی به عدالت جنسیتی با تأکید بر وضعیت آموزش عالی زنان در ایران و مقایسه آن با وضعیت جهانی

سعیده عباس‌زاده*

چکیده

یکی از مؤثرترین روش‌های بهبود وضعیت زنان، بررسی جایگاه آنان در برنامه‌های توسعه کشورهاست تا بتوان جایگاهی را ترسیم کرد تا هم زنان از فرایند توسعه مستفیع باشند و هم توسعه کشورها از حضور زنان بهره کافی ببرد. پژوهش حاضر، با هدف شناسایی جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه پس از انقلاب و با تأکید بر عدالت جنسیتی در آموزش عالی، به بررسی برنامه‌های توسعه پرداخته و با روشن کردن وضعیت آموزش عالی زنان و مقایسه آن با شاخص‌های جهانی، جایگاه ایران را نشان داده است. نتایج نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی پیرامون دستیابی به ایده‌آل رابطه جنسیت و توسعه در ایران از برنامه سوم، به صورت رسمی اما به نحوی شتاب‌زده به دغدغه مسئولان تبدیل شده است. هم‌چنین نتایج نشان داد که اگرچه زنان در حوزه آموزش به رغم طی مسیرهای علمی به لحاظ آمارهای کمی رشد چشم‌گیری داشته‌اند، اما در تأمین معیارهای مطلوب کیفی بازدهی مطلوبی نداشته و بنابراین اثربخشی برنامه‌های توسعه باید با حرکت به سمت الگوهای کیفی آن را جبران کند.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌های توسعه، زنان، عدالت جنسیتی، آموزش عالی.

۱. طرح مسئله

برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور خطوط اساسی و جهت‌گیری‌های کلی هدف‌ها و سیاست‌های هر بخش را تعیین می‌کنند و امور اجرایی نیز در مسیر آن

* کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا s.abaszade@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲۳

هدف‌ها پیش می‌روند. در حال حاضر، نقش زنان برای سازمان‌ها و برنامه‌ریزان امور توسعه اولویتهی انکارناپذیر به شمار می‌رود؛ زیرا حرکتهای جهانی و رقابت کشورها برای دستیابی به رتبه‌های برتر توسعه در جهان، به‌ویژه شاخص‌های توسعه انسانی (HDI) و توسعه جنسیتی (GDI)، اساساً ضرورت پرداختن به این مقوله را چندین برابر می‌کند.

وارد کردن مسئله جنسیت در فرایند توسعه، دیدگاه‌های متفاوتی را آزمون و خطا کرده است و با توجه کردن به عواملی مانند تقسیم نقش‌ها، انتظارات جامعه از زنان و مردان و ساختارهای جنسیتی، رویکردهای متفاوتی را درباره چگونگی حضور زنان در فرایند توسعه کشورها رقم زده است. مقوله آموزش زنان همواره از اموری بوده است که از ابتدایی‌ترین دیدگاه‌های توسعه‌ای به آن توجه شده است. از آن‌جا که آموزش زنان در تمامی مراحل رشد و ارتقای نقششان در فرایند توسعه کشورها نقشی زیربنایی ایفا می‌کند، به‌ندرت برنامه‌ای از برنامه‌های توسعه‌ای یافت می‌شود که از آن غفلت کرده باشد. تحقیقات نشان داده است آموزش دختران و زنان مؤثرترین روش کاهش فقر به شمار می‌رود (دربی شایر (Derbyshire)، ۲۰۰۲: ۷ به نقل از مامسن (Mamsen)).

مقوله عدالت جنسیتی در مورد آموزش زنان، شامل رشد آگاهی‌های عمومی و نيل آنان به حداکثر سواد و دانش متناسب با ظرفیت‌ها و سطوح مختلف استعدادهای زنان، همچنین تعامل میان انواع نقش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی‌شان است؛ بی‌آن‌که لازم باشد ضرورتاً در این مسیر با مردان مقایسه شوند. در چهارچوب منابعی که دولت‌ها برای رشد و ارتقای مردان و زنان جامعه مصروف می‌دارند، عدالت آموزشی، یعنی این‌که همه زنان و مردان، متناسب با ظرفیت‌های انسانی‌شان از امکانات آموزشی بهره‌مند شوند، به مراتب عالی علمی برسند و از دانش و معرفت سهم داشته باشند (کاوه مریان، ۱۳۸۷).

بنابراین در این گزارش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی هستیم که زنان در برنامه‌های توسعه در کشور جمهوری اسلامی ایران از چه جایگاهی برخوردارند و نگرش سیاست‌گذاران به نقش زنان در فرایند توسعه چه نوع برنامه‌ریزی‌هایی را رقم زده است. از طرفی، با لحاظ کردن اهمیت مقوله مهمی مانند آموزش زنان در فرایند توسعه، در پی ردیابی این عامل در برنامه‌های توسعه‌ای بوده‌ایم، اما از آن‌جا که پدیده آموزش زنان بسیار گسترده است و ابعاد و سطوح گوناگونی را دربر می‌گیرد و در این تحقیق مجال پرداختن به تمامی آن‌ها فراهم نیست، صرفاً به بررسی آموزش زنان در سطح آموزش عالی بسنده کرده‌ایم.

۲. روش تحقیق

مطالعه حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است و منابع اصلی آن گزارش‌های رسمی دولت، اعم از گزارش‌های مرکز آمار ایران، اطلاعات مرکز امور زنان ریاست جمهوری، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، دانشگاه آزاد، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، مرکز نشر مقالات علمی پژوهشی و ... است. همچنین در تهیه آمارهای جهانی از سازمان‌ها و مؤسسه‌های بین‌المللی، مانند بانک جهانی، یونسکو و مؤسسه آکسفورد، استفاده شده است.

۳. پیشینه تحقیق

تجربه دهه‌های اخیر کشورهای در حال توسعه مبین آن است که افزایش سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، به‌ویژه آموزش زنان، زمینه لازم را برای رشد اقتصادی بالاتر و رفاه اجتماعی بیش‌تر مهیا می‌کند. بنابراین از بین رفتن تفاوت‌ها و شکاف‌های جنسیتی در بخش‌های گوناگون اقتصادی و آموزش و پرورش، نه تنها به برابری بیش‌تر، بلکه به کارایی بالاتر می‌انجامد (عمادزاده، ۱۳۸۲).

بر اساس منشور سازمان ملل متحد در ۲۰۰۸، همه دولت‌ها موظف‌اند تا ۲۰۱۵ اولاً زمینه آموزش عمومی همه زنان را فراهم کنند و ثانیاً در راستای افزایش توان‌مندسازی آنان و تساوی جنسیتی گام بردارند. بر اساس پژوهش قدیمی (۱۳۸۲)، یکی از مسائلی که دانشگاه‌ها در دهه اخیر با آن روبه‌رویند افزایش ورود داوطلبان دختر به دانشگاه‌ها و گرایش آنان به آموزش عالی است. بر اساس آمار سازمان ملل متحد در سال ۱۳۹۰، فاصله دختران و پسران در آموزش عالی رو به کاهش و حتی افزایش به نفع دختران بوده است و این بدان معناست که روند افزایش حضور دختران در دانشگاه‌ها به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده است.

امروزه شاید هیچ صاحب‌نظری منکر این واقعیت نباشد که جامعه ایران نیز در دو سه دهه اخیر و به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی، از این قاعده رشد جهانی مستثنا نبوده و تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و آموزشی خطیری را سپری کرده است که رشد چشم‌گیر عرصه آموزش عالی بخشی از این تحولات است.

پژوهش قانعی راد و خسرو خاور (۱۳۸۵) این پدیده را این‌گونه تشریح می‌کند که با توسعه مشارکت و حضور زنان در آموزش و پرورش عمومی، به‌ویژه آموزش عالی، آنان شانس بیش‌تری می‌یابند که به طور اساسی در فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و

سیاسی ایفای نقش کنند. بنابراین، مشارکت زنان در آموزش عالی بسیار حیاتی است. به باور صالحی (۱۳۸۴)، بهره‌گیری از تجارب آموزش عالی زنان را عناصر فعال در فرایند شکل‌گیری توسعه جوامع معرفی خواهد کرد.

باستانی (۱۳۸۳) در گزارشش با عنوان «توسعه، برابری و جنسیت»، به بررسی جایگاه ایران در میان کشورهای جهان می‌پردازد. وی در نتیجه گزارش خود به این نکته اشاره می‌کند که کشور ما در زمینه توان‌مندسازی زنان از موقعیتی مطلوب برخوردار نیست و اگر برابری جنسیتی هدف باشد، کشور ما راهی دراز در پیش دارد. همچنین صادقی و کلهر (۱۳۸۶) در مقاله‌شان به بررسی ابعاد شکاف جنسیتی و میزان تحقق کاهش آن در برنامه سوم توسعه می‌پردازند. نتیجه‌ای که آنان بدان اشاره کرده‌اند چنین است که اگرچه اراده مشخصی برای کاهش شکاف‌های جنسیتی در قالب برنامه سوم دیده شده است، اما فرایند رخ داده کم‌تر متوجه این اراده است و شاهد بر این ماجرا را افزایش اشتغال زنان معرفی می‌کند که نه تنها کاهش نیافته، بلکه افزایش نیز داشته است.

همچنین چالش‌هایی سر راه آموزش عالی وجود دارد که نقش این پدیده را در فرایند توسعه ایران کاهش داده است و این مسئله‌ای است که مشرف جوادی و کورنگ و محمدی (۱۳۸۵) در مقاله خود بدان اشاره می‌کنند.

۴. ادبیات نظری

بحث لزوم توجه ویژه به مسائل زنان در گفتمان توسعه سازمان ملل برای پیشرفت زنان با آغاز دهه ۱۹۷۵ شدت یافت. تا پیش از ۱۹۷۰، که باسروپ (Esther Boserup) کتاب برجسته‌اش در مورد زنان و توسعه را منتشر کند، چنین می‌پنداشتند که اثر فرایند توسعه بر زنان و مردان یکسان است، اما پژوهش در مورد زنان در کشورهای در حال توسعه، مفاهیم بنیادین توسعه را به چالش فراخواند و سپس جنسیت را به بررسی فرایند توسعه افزود (مامسن، ۱۳۸۵). در واقع، بیش‌تر پروژه‌های توسعه‌ای اجرا شده در نقاط مختلف دنیا با این توجیه که پرداختن به جنسیت باعث کنار گذاشته شدن نیمی از جمعیت از فرایندهای توسعه‌ای می‌شود، به کلی به این موضوع نمی‌پرداختند و به کلی «کور جنسیتی» (gender blindness) بودند و در پیش‌فرض‌هایشان موقعیت و فرصت برابری برای مشارکت زنان و مردان در این پروژه‌ها قائل می‌شدند، اما به تدریج ناکارآمدی این بی‌اعتنایی آشکار شد و نیاز به پرداختن به مسائل زنان در گفتمان توسعه به شدت احساس

شد و رویکردهای نظری متفاوتی را در زمینه جایگاه زنان در فرایند توسعه رقم زد (مداح، ۱۳۸۸). دیدگاه «زن در توسعه» (women in development) دیدگاهی است که نتیجه نخستین تلاش‌ها برای ورود زنان به فرایند توسعه کشورهای است که از سال ۱۹۷۰ کارش را برای ارتقای موقعیت زنان در بسیاری از کشورها آغاز کرد. این دیدگاه، که استراتژی «جدا ولی برابر» را در پیش گرفته است، گروه زنان جدای از کل جریان جامعه را هدف قرار داده است یا به عبارت ساده‌تر، زنان را جدای از مردان تعریف کرده است. سیاست‌های اصلی این دیدگاه بر برنامه‌ریزی خاص برای زنان تأکید می‌کند و آنان را گروهی جدا و آسیب‌پذیر می‌بیند که باید از طریق طرح‌های خاص زنانه حمایتشان کرد. در این دیدگاه به نقش‌آفرینی زنان در فرایند توسعه چندان توجه نمی‌شود. سه رویکردی که ذیل این دیدگاه قرار می‌گیرند عبارت‌اند از:

الف) رویکرد رفاهی که بر برنامه‌های رفاهی خاصی که برای زنان دارد تأکید می‌کند، مانند توجه به بهداشت و باروری؛

ب) رویکرد فقرزدایی که بر خوداتکایی و همچنین بر مشاغل زنان در کنار دو نقش مادری و همسری‌شان تأکید دارد؛

ج) رویکرد کارایی که قدمی فراتر از دو رویکرد قبلی برداشته و بر حضور زنان در عرصه عمومی و نقش تولیدکنندگی آنان در راه رشد و توسعه اقتصادی تأکید می‌کند، اما باز هم در پی طرح‌های خاص زنانه در مسیر به‌کارگیری زنان در فرایند تولید اقتصادی است (قره‌یاضی، ۱۳۸۲).

تجربه اجرای طرح‌های خاص زنان جدا از مردان نشان داد که زنان بیش از پیش از متن توسعه به حاشیه رانده شده‌اند. ماندگاری نابرابری‌ها و تبعیض‌ها و در برخی موارد تشدید شدن آن‌ها باعث ایجاد ضرورت نگاه جنسیتی به برنامه‌ریزی‌های توسعه شد.

«دیدگاه جنسیت و توسعه» (gender and development)، که به دیدگاه «برابر ولی متفاوت» معروف است، بر این نکته تأکید دارد که نیازهای زنان و مردان باید به صورتی هم‌زمان و جدایی‌ناپذیر مرتفع شود. بنابراین این دیدگاه در عین قبول متفاوت بودن، بر مکمل بودن نقش‌ها تأکید می‌کند؛ بنابراین قائل به این است که باید طرح‌های توسعه به صورت مکمل و حساس به جنسیت و با توجه به روابط زنان و مردان با یک‌دیگر طراحی شوند. این رویکرد با شناخت تفاوت‌ها، برنامه‌های توسعه انسانی را بر اساس تکامل دو جنس طرح و اجرا می‌کند. در نتیجه با جبران عقب‌ماندگی هر یک از دو جنس، جامعه به سمت توازن و تعادل سوق می‌یابد (زعفرانچی، ۱۳۸۴).

ایده جنسیت و توسعه، گرچه برابری جنسیتی را آرمان خود می‌داند، اما آن را ضرورتاً از مسیرهای برابر پی‌گیری نمی‌کند، بلکه علاوه بر سیاست‌های عمومی، بر اجرای سیاست‌های خاص جنسیتی تأکید می‌کند. اگر فرهنگ مسلط به بهانه تفاوت‌های زیست‌شناختی زنان را در موقعیت فرو دست قرار داده است، اتخاذ تدابیر ویژه موقتی به نفع زنان، که به اقدام مثبت (affirmative action) معروف است، موقعیت آنان را تا سرحد برابری ارتقا می‌بخشد. این دیدگاه با تأکید بر رویکرد عدالت جنسیتی (gender equality) در پی ارائه فرصت‌های برابر برای زنان مانند مردان در همه بخش‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است (گرامی‌زادگان، ۱۳۸۲).

دیدگاه سوم، که به دیدگاه نهادگرا (gender mainstreaming) معروف است، نه تنها بر وارد کردن جنسیت در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه تأکید می‌کند، بلکه در پی وارد کردن موضوع جنسیت در بطن تمامی نهادها و نظام‌های فکری و ارزشی است. این دیدگاه بر این باور است که بدون برنامه‌ای فراگیر و بدون توجه به نظام و ساختاری که این برنامه‌ها باید در آن اجرا شوند، موفقیت حاصل نمی‌شود. بدین ترتیب که زنان باید در فرایند طراحی، اجرا، پایش و ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های کشورها و در تمامی سطوح، نه جدای از مردان، که هم‌پای مردان دیده شوند. بنابراین این دیدگاه رویکرد توان‌مندسازی زنان را در پیش می‌گیرد و با هدف قرار دادن نیازهای زنان و ارتقای آگاهی زنان و مردان درباره نابرابری جنسیتی، راه‌کار اصلی را در تجهیز زنان و مردان برای مشارکت در سطوح گوناگون تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نهادها و تشکل‌های مردمی و دولتی می‌داند (زنان و توسعه، ۱۳۸۱).

۵. بازخوانی جنسیتی برنامه‌های توسعه کشور

۱.۵ بررسی مفاد برنامه اول توسعه

برنامه اول توسعه، که در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ تنظیم شد، با وضعیت و شرایط عمومی کشور، که دوران پس از جنگ تحمیلی را تجربه می‌کرد، مطابق بود. بدیهی است که توجه به مسئله جنسیت و برابری جنسیتی جزو الویت‌های اول کشورهای آسیب‌دیده نیست. با این حال، مرور برنامه پنج ساله اول توسعه نشان می‌دهد که در آن شرایط خاص نیز تاحدودی به امور زنان توجه شده است. بر همین مبنا، در برنامه اول توسعه آمده است:

خطوط کلی سیاست تحدید موالید کشور:

کاهش باروری عمومی زنان تا حد چهار نوزاد و نرخ رشد طبیعی ۲/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ مهم ترین اهداف درازمدت سیاست تحدید موالید کشور خواهد بود.

به منظور نیل به این هدف، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مقام مجری این سیاست، موظف است با همه توان و امکاناتش به طور متوسط ۲۴ درصد از زنان و مادران واقع در مقاطع سنی بالقوه باروری را طی سالهای ۱۳۷۸ تا ۱۳۷۲ تحت پوشش برنامه تنظیم خانواده قرار دهد.

تحقق این اهداف، علاوه بر فعالیت‌های واحد اجرایی تنظیم خانواده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مستلزم کوشش‌هایی از این قرار است:

۱. بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه، به‌ویژه افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم؛

۲. اعتدای موقعیت زنان از طریق آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی و اجتماعی جامعه و خانواده؛

۳. ارتقای سطح سلامت افراد جامعه و کاهش مرگ و میر مادران و کودکان؛

۴. مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئونات خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن.

۱.۱.۵ تحلیل تفوریک

به نظر می‌رسد برنامه توسعه اول به‌دقت نشان می‌دهد که دغدغه اصلی سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان کلان کشور در آن برهه خاص، سر و سامان دادن اوضاع نابه‌سامان و آسیب‌دیده کشور بود؛ بنابراین مسئله جنسیت و شکاف‌های جنسیتی چندان مطرح نبود و نه تنها توجه به قشر زنان، بلکه توجه به هر قشر دیگری در فرایند برنامه‌ریزی توسعه‌ای ناظر به این بعد بود. در واقع، این برنامه به گونه‌ای طراحی شده بود که هر قشری بتواند سهمش را در بازسازی و رسیدن به وضعیت قابل قبول در کشور ادا کند. از این روست که سیاست تحدید موالید رویکرد اصلی این برنامه توسعه بود.

گفتنی است از آنجایی که آموزش و سلامت زنان و توجه خاص به این دو بُعد از نیازهای زنان، از مقوله‌هایی است که در این برنامه به آن توجه شده است و نیز توجه به اعتدای موقعیت زنان نشان می‌دهد که در نظر برنامه‌ریزان این دوره، زنان جزو گروه‌هایی اند که باید به آنان توجهی خاص شود و این وظیفه دولت است که یک‌سری برنامه‌های حمایتی را

برای آنان طراحی کند. بنابراین پیداست این برنامه بیش تر ناظر به دیدگاه «زن در توسعه» طراحی شده است؛ چراکه فقط مطابق با این رویکرد است که برنامه ریزان کشورها با درکشان از شرایط زنان در کشور، دست به اجرای طرح های خاص و جدا، اعم از توجه به بهداشت، زایمان، فقر زنان و سایر حمایت های خاص می زنند.

مبحث مشارکت بیش تر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی، که در متن برنامه توسعه اول آمده، بسیار انتزاعی و کلی است و به نظر می رسد هیچ گونه برنامه ریزی اجرایی مشخصی را دنبال نکرده است.

۲.۱.۵ تحلیل خاص آموزشی

همان طور که مشاهده می شود، در این برنامه به جز ماده ای که به بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی تأکید کرده است، برنامه خاصی پیرامون توجه به آموزش زنان صورت نگرفته است.

۲.۵ بررسی مفاد برنامه دوم توسعه

قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه، سال های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ را تحت پوشش و برنامه ریزی قرار می دهد. تدوین این برنامه، همان طور که مشاهده می شود، اگرچه با آغاز فعالیت نهادهای سیاست گذار در حوزه زنان، مانند دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و سایر تشکیلات و سازمان های غیر دولتی همراه بوده است، اما برنامه دوم توسعه در واقع، کم ترین اقبال را در برنامه ریزی جنسیتی از خود نشان داده است و همان طور که از مفاد آن پیداست، عملاً در حوزه های اساسی، اعم از آموزش، بهداشت و سلامت و اشتغال زنان هیچ گونه چشم اندازی را تدوین و طراحی نکرده است.

بنابراین در این برنامه فقط سه بند به برنامه ریزی ویژه زنان اختصاص یافته و یک بند نیز بر حوزه خانواده تأکید می کند:

بند ۵: تعمیم، گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی به وسیله تأمین منابع از محل بودجه عمومی به منظور پرداخت مستمری به اقشار نیازمند، زنان و کودکان بی سرپرست و معلولان.

۱. بند ۱۰-۲: حفظ قداسات خانواده و تقویت روحیه مسئولیت پذیری و مشارکت امور

سیاسی و اجتماعی؛

۲. بند ۱۲-۲: توجه ویژه در برنامه ریزی ها و اختصاص امکانات به مسائل تربیت بدنی و

پر کردن اوقات فراغت بانوان؛

۳. بند ۱۳-۲: مشارکت بیش‌تر زنان و بانوان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئونات خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن.

۱.۲.۵ تحلیل تئوریک

برنامه دوم توسعه در حالی تدوین شد که کشور شرایط بحرانی و خاصش را پشت سر گذاشته بود و آنقدر فراغ بال داشت که به صورت جدی‌تری به برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر جنسیتی پردازد. با این حال می‌بینیم در این برنامه، به رغم این‌که وضعیت بهداشت، آموزش و فقر زنان در این بازه زمانی به توجه و برنامه‌ریزی نیاز فراوانی داشته است، حتی از برنامه‌ریزی‌های حمایتی خاص برای زنان هم خبری نیست؛ به عبارتی در این برنامه فقط دو طرح حمایتی در بند ۵ و تبصره ۱۲ از بند ۲ آمده است که گفتنی است فقط بند ۵ از نیازهای ضروری زنان تا حدی پشتیبانی کرده است.

بنابراین با اندکی اغماض، گفتنی است که برنامه دوم اگر نگوئیم دچار کوری جنسیتی است، تا حدودی در پی تحقق دیدگاه زن در توسعه است.

مشارکت بیش‌تر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی، که در متن برنامه توسعه دوم آمده، دقیقاً همانی است که در برنامه اول به آن اشاره شده است؛ بنابراین همان ایراد انتزاعی بودن بدان وارد است.

۲.۲.۵ تحلیل خاص آموزشی

در این برنامه نیز هم‌چون برنامه اول توسعه، عملاً به مقوله آموزش زنان هیچ توجهی نشده است.

۳.۵ بررسی مفاد برنامه سوم توسعه

آغاز توجه جدی به مقوله زنان و توسعه در فرایند برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان جمهوری اسلامی عملاً از برنامه سوم توسعه آغاز می‌شود. به عبارتی، دیدن زنان و تأکید بر جایگاه زنان در حکم نیمی از جمعیت فعال کشور و توجه به نیازهای خاص آنان و نقشی که در فرایند توسعه یافتگی کشورها ایفا می‌کنند از برنامه سوم توسعه آغاز شد. این برنامه، که مربوط به سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ است، در فرایند برنامه‌ریزی‌هایش تا حدی زنان را پررنگ‌تر دیده است.

مفاد این برنامه در مقایسه با برنامه‌های پیشین در حوزه زنان به طرز چشم‌گیری افزایش یافته است. این مواد و تبصره‌ها به شرح ذیل‌اند:

ماده ۲۵: «تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان».

ماده ۱۵۸: مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری موظف است در راستای زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده، ضمن انجام مطالعات لازم با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اقدامات ذیل را به عمل آورد:

الف) با بهره‌گیری از اصول و مبانی اسلامی و با در نظر گرفتن تحولات آینده جامعه، نیازهای آموزشی، فرهنگی و ورزشی خاص زنان را شناسایی کند، طرح‌های مناسب را حسب مورد، از طریق دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط تهیه و برای تصویب به مراجع مربوط پیشنهاد کند؛

ب) تهیه طرح‌های لازم برای افزایش فرصت‌های اشتغال زنان و ارتقای شغلی آنان در چهارچوب تمهیدات پیش‌بینی شده در این قانون؛

ج) با سازمان‌دهی فعالیت‌های مطالعاتی مشترک با دستگاه‌های مسئول در قوه قضائیه، طرح‌های لازم برای تسهیل امور حقوقی و قضایی زنان را تهیه و حسب مورد از طریق دستگاه‌های مسئول پی‌گیری کند؛

د) برای بهره‌گیری از خدمات گوناگون اجتماعی زنان در زمینه‌های مالی، حقوقی، مشاوره‌های آموزشی و ورزشی، طرح‌های لازم با اولویت قائل شدن برای زنان خودسرپرست و بی‌سرپرست مناطق توسعه‌نیافته یا کم‌تر توسعه‌یافته و گروه‌های محروم جامعه، زمینه حمایت از تشکیل سازمان‌های غیر دولتی را فراهم کند.

۱.۳.۵ تحلیل تئوریک

برنامه سوم توسعه با نگرش سیاست‌گذاری مبتنی بر باور مشارکت بیش‌تر زنان در صحنه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی همراه است.

این‌گونه به نظر می‌رسد که برنامه سوم توسعه در برداشتن نخستین گام‌های پیرامون توجه به مقوله جنسیت، هنوز در نوعی ابهام به سر می‌برد، اما از آن‌جا که کشور ما در این دوره تحت فشارهای بین‌المللی پیرامون مباحث زنان قرار گرفته است، باید به صورت جدی‌تری به فرایند برنامه‌ریزی توجه کند. بنابراین، می‌بینیم که دامنه مباحثی که در برنامه سوم توسعه به آن پرداخته شده است در مقایسه با دو برنامه قبلی گسترش چشم‌گیری دارند؛ اگرچه این برنامه‌ها صرفاً در مرحله طرح باشند و به عملیات و اجرا نزدیک نباشند، اما این دو ماده به رغم این‌که تعدادشان کم است، محتوای عمیق و مؤثری را پیش روی

برنامه‌ریزی‌های آتی قرار می‌دهد. برای مثال در این بندها به شناسایی نیازهای آموزشی، فرهنگی و ورزشی خاص زنان و طرح‌های لازم برای افزایش فرصت‌های اشتغال و همچنین تسهیل امور حقوقی و قضایی زنان پرداخته است و همان‌طور که مشخص است، طرح‌ها بیش‌تر در سطح انجام پژوهش باقی مانده و به سمت بهبود عینی وضعیت زنان قدمی برداشته نشده است. به همین دلیل است که در بخش‌های مهم برنامه، از قبیل سیاست‌های آموزش و اشتغال، هیچ تمایز شایان توجهی میان دو جنس دیده نمی‌شود.

بنابراین، چنان‌چه رویکرد نظری «زن در توسعه» به‌دقت بررسی شود و از طرفی برنامه‌ریزی و طراحی متفاوت برنامه سوم توسعه بازبینی شود، می‌توان اذعان داشت که برنامه سوم توسعه عمیقاً متأثر از این رویکرد و این نگرش به زن طراحی شده است؛ زیرا بر این اساس برای خود پیش‌فرضی قرار داده است که اگر در آموزش و اشتغال و سایر عرصه‌ها برای زنان و مردان شرایط یکسان در جامعه محقق شود، بسیاری از مسائل زنان خودبه‌خود حل می‌شود. تفاوت این برنامه با دو برنامه پیشین در این است که در حقیقت این برنامه کوشیده است درباره مقوله زنان حساسیت جدی نشان دهد؛ اگرچه این برنامه نیز صرفاً زنان را گروهی خاص و جدا از مردان تصور کرده و به سمت طراحی‌های خاص زنانه پیش رفته است و به‌جز بند مربوط به فرصت‌های برابر شغلی، سایر بندها به سمت برنامه‌ریزی‌های خاص خدماتی و حمایتی پیش رفته است. بند ۲۵ نشان می‌دهد که این برنامه علاوه بر نگاه حمایتی، تا حدی به نقش‌آفرینی زنان در فرایند توسعه توجه کرده است و از طریق گشودن موانع قانونی و ساختاری در پی افزایش سهم زنان در توسعه‌یافتگی کشور و کارایی آنان برای رشد کشور است.

۲.۳.۵ تحلیل خاص آموزشی

این برنامه، همان‌طور که بررسی شد، پرداختن به مقوله زنان را صرفاً در حد یک‌سری دستورالعمل‌های پژوهشی پیرامون نیازهای زنان در حوزه‌های گوناگون باقی گذارده است. با وجود این، نخستین برنامه‌ای است که توجه به آموزش زنان را، حتی در حد یک‌سری ماده انتزاعی، در دستورالعمل کار خود قرار داده است.

۴.۵ بررسی مفاد برنامه چهارم توسعه

برنامه چهارم توسعه، که برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ تدوین شده است، به مسئله زنان بیش‌ترین توجه را نشان داده است.

حجم طرح‌هایی که به زنان اختصاص دارد بسیار چشم‌گیر است و رویکردهای خاصی که به مقوله زنان دارد این برنامه را از برنامه‌های قبلی توسعه متمایز می‌کند. صرف نظر از موارد مربوط به ارتقای جایگاه تشکیلاتی مرکز امور مشارکت، که به منظور هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف در حوزه مسائل زنان در برنامه چهارم توسعه آمده، به برخی مواد، که برای زنان امتیازات ویژه لحاظ شده است، توجه می‌شود؛ از جمله:

ماده ۵۲: دولت موظف است به منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی، به‌ویژه در مناطق کم‌تر توسعه‌یافته، گسترش دانش، مهارت و ارتقای بهره‌وری سرمایه‌های انسانی، به‌ویژه برای دختران و توسعه کمی و کیفی آموزش عمومی، آن دسته از اقدام‌های ذیل را، که جنبه قانون‌گذاری ندارد، انجام دهد.

ماده ۵۴: دوره‌های آموزشی ضمن خدمت متناسب با مشاغل مورد تصدی کارکنان، به منظور افزایش سطح کارایی و ارتقای مهارت‌های شغلی آنان (به‌ویژه برای زنان) به‌ویژه از طریق آموزش‌های کوتاه‌مدت.

ماده ۹۶: ج) تأمین بیمه خاص (در قالب فعالیت‌های حمایتی) برای حمایت از زنان سرپرست خانوار و افراد بی‌سرپرست با اولویت کودکان بی‌سرپرست.

ماده ۹۷: ل) افزایش مستمری ماهیانه خانواده‌های نیازمند و بی‌سرپرست و زنان سرپرست خانواده تحت پوشش دستگاه‌های حمایتی بر مبنای ۴۰ درصد حداقل حقوق و دستمزد در سال اول برنامه.

ماده ۹۸: ه) تدوین و تصویب طرح جامع توان‌مندسازی و حمایت از حقوق زنان در ابعاد حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و اجرایی در مراجع ذی‌ربط.

ماده ۱۰۰: د) تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان.

ماده ۱۰۱: دولت موظف است برنامه ملی توسعه کار شایسته را در قالب گفت‌وگوهای جدید عرصه کار و توسعه، بر اساس راهبرد سه‌جانبه‌گرایی، که متضمن عزت نفس، برابری فرصت‌ها، آزادی و امنیت نیروی کار، همراه با صیانت لازم باشد و مشتمل بر محورهای ذیل تهیه و تا پایان سال اول برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تقدیم مجلس شورای اسلامی کند:

الف) حقوق بنیادین کار: آزادی انجمن‌ها و حمایت از حق تشکلهای مدنی روابط کار، حق سازمان‌دهی و مذاکره دسته‌جمعی، تساوی مزدها برای زن و مرد در مقابل کار

هم‌ارزش، منع تبعیض در اشتغال و حرفه، رعایت حداقل سن کار، ممنوعیت کار کودک، رعایت حداقل مزد متناسب با حداقل معیشت؛

ج) گسترش حمایت‌های اجتماعی و برابری فرصت‌ها برای زنان و مردان و توان‌مندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب.

ماده ۱۰۲: الف) توان‌مندسازی جوانان، زنان، فارغ‌التحصیلان و سایر افراد جویای کار در راستای برقراری تعاملات اجتماعی لازم برای شکل‌گیری فعالیت واحدهای تعاونی.

ماده ۱۱۱: دولت موظف است با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آن‌ها در کشور، اقدامات ذیل را صورت دهد:

الف) تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر بازنگری قوانین و مقررات، به‌ویژه قانون مدنی، تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های اشتغال‌زا، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، ارتقای کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی درباره شایستگی آنان؛

ب) تنظیم و ارائه لوایح مربوط به تحکیم نهاد خانواده برای تصویب در مراجع ذی‌صلاح؛

ج) انجام اقدامات لازم، از جمله تهیه برنامه‌های پیش‌گیرانه و تمهیدات قانونی و حقوقی به منظور رفع خشونت علیه زنان؛

د) تقدیم لایحه حمایت از ایجاد و گسترش سازمان‌های غیر دولتی، نهادهای مدنی و تشکل‌های زنان به مجلس شورای اسلامی.

تبصره: همه دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند اعتبار لازم برای انجام تکالیف قانونی موضوع این ماده را، که با وظایف قانونی آن‌ها مرتبط است، در لوایح بودجه سنواتی ذیل برنامه مربوط پیش‌بینی کنند و اقدامات لازم را با هماهنگی مرکز امور مشارکت زنان به عمل آورند.

۱.۴.۵ تحلیل تئوریک

با بررسی مفاد مربوط به برنامه چهارم توسعه این‌گونه استنباط می‌شود که این برنامه رویکرد جنسیت و توسعه را در برنامه‌ریزی خود دخالت دهد. تدوین برنامه چهارم توسعه نشان داد دولت توانسته است بر رصد جنسیتی مسائل و برنامه‌ها فائق آید و همه را نیز موظف به هماهنگی با آن کند. در واقع، برنامه چهارم توسعه نشان داد که عزم برنامه‌ریزان برای

کلیشه زدایی جنسیت از برنامه ها جدی است و با الزام خود به دستگاه ها کوشیده است تا حد ممکن این کلیشه ها بازتولید نشوند.

بند ۵۲ نشان می دهد که سیاست های آموزشی کشور به طور جدی به سمت حذف نابرابری های جنسیتی در حرکت است. این عدالت مداری جنسیتی از پایین ترین سطوح به سمت بالاترین سطوح، یعنی آموزش عالی، گسترده شده است و هم عرصه کمی و هم عرصه کیفی آموزش را دربر می گیرد. قائل شدن ویژگی خاصی برای زنان در موضوع کارایی و ارتقای مهارت های شغلی بر یکی از این دو پیش فرض استوار است که نیاز زنان به کسب مهارت در مشاغل رسمی بیش از مردان است یا آن که عقب ماندگی تاریخی آنان بیش از مردان است؛ به گونه ای که ضرورت اختصاص امکانات و فرصت های ویژه به آنان تا زمان دستیابی به برابری ضروری به نظر می رسد.

نکته شایان توجه اولویت دادن به زنان به طور عام در برابر مردان است. ایده تبعیض مثبت، که مطابق برنامه جنسیت و توسعه است، در موارد بسیاری گنجانده شده است. برای مثال در بند الف ماده ۱۱۱، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، اولویت تجهیز مدارس دخترانه؛ در ماده ۵۲، اولویت آموزش ضمن خدمت زنان در دستگاه های دولتی مندرج در ماده ۵۴، تأکید بر تدوین و تصویب طرح جامع توانمندسازی و حمایت از حقوق زنان؛ در ماده ۹۸، توسعه اماکن سرپوشیده برای دختران و در ماده ۱۱۷ که در مجموع نگاه خاص قانون برنامه چهارم توسعه به زنان را نشان می دهد.

یکی از بندهای جدی این برنامه، بحث اصلاح قانون است. بند ۱۱۱ این جرئت منحصر به فرد را به خود داده است که نگاه آسیب شناسانه و جنسیت محور در سراسر قانون برای یکبار دیده شود و مواردی که با نگاه حمایتی به نفع زنان اصلاح شدنی است اصلاح شود و سازوکارهای قانونی را برای تحقق مشارکت کامل زنان در فرایند توسعه هم پای مردان فراهم کند. شاید بتوان گفت که ماده ۱۱۱ عمده ترین عبارت در برنامه چهارم توسعه است که هم مبین نگاه آسیب شناسانه طراحان برنامه به مسائل و مشکلات زنان در جامعه است و هم سیاست ها و اهداف این برنامه درباره زنان را شفاف می کند. نخست، قوانین و مقررات مربوط به زنان، به ویژه قانون مدنی و دیگری، نگرش ها و باورهای عمومی به شایستگی زنان را در دست اصلاح قرار داده است. در اهداف و سیاست ها نیز به بازنگری قوانین، توسعه مهارت های حرفه ای زنان متناسب با نیازها و تحولات جامعه و اصلاح نگرش جامعه درباره نقش و جایگاه زنان، افزایش فرصت های اشتغال و ارتقای کیفیت زندگی زنان اشاره کرد.

شایسته‌سالاری در مقوله اشتغال از نکات منحصر به فرد دیگری است که در این برنامه دولت آشکارا از سازمان‌های ذی‌ربط مطالبه می‌کند. این بدین معناست که دولت به سمت نهادینه کردن مقوله جنسیت در همه ابعاد خود در حال حرکت است و در پی حذف حداکثری تبعیض جنسیتی از سطح نهادهاست. هم‌چنین، از جمله برنامه‌های موجود این بود که سهمیه‌های جنسیتی در اشتغال زنان فراهم شود.

خانواده، از جمله مباحثی بود که در تمامی برنامه‌های توسعه به طور چشم‌گیری به آن توجه شده بود، اما فقط در این برنامه است که این مسئله از حالت کلی‌گویی و موعظه‌وار خارج شده و با یک‌سری قوانین اجرایی و تنظیم و ارائه لوایح، صورت کاربردی به خود گرفته است.

گسترش واحدهای تعاونی با نگرش توان‌مندسازی زنان در این حوزه و نیز توجه به مقوله شبکه‌ها و تشکلهای مدنی زنانه، ویژگی‌های اساسی نگاه جنسیت‌محور و چه‌بسا نهادگرا را تداعی می‌کند، اما جای تعجب و ابهام وجود دارد که چرا به‌رغم تأکید آموزه‌های دینی و ملی و نیز تأکید قانون اساسی ما بر اهمیت مادری زنان و با توجه به این‌که برنامه چهارم ملاحظات ویژه را به امر زنان کرده است، از این مقوله مهم غافل مانده است.

از جمله نقاط ضعف این برنامه نکته‌ای است که در سه برنامه توسعه پیشین در حوزه زنان به آن توجه و تأکید می‌شد، اما در این برنامه حذف شده است و به عبارتی، به مدت چهار سال از برنامه‌ریزی‌های دولت خارج شده است و آن تأکید بر حفظ ارزش‌های اسلامی در فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی زنان است.

اگرچه مهم‌ترین دغدغه برنامه چهارم توسعه، مشارکت اجتماعی زنان و تقویت نقش آن‌ها در جامعه است و شاخص‌های چنین توسعه‌ای در سه محور درآمد (اشتغال)، بهداشت و آموزش منحصر می‌شود، اما توجه به ساحت‌های معنوی، فرهنگی و هویت شخصی زنان از جمله اموری‌اند که به نظر می‌رسد به هیچ وجه اهمیت و جایگاهشان از سه ساحت درآمد، بهداشت و آموزش کم‌تر نیست.

۲.۴.۵ تحلیل خاص آموزشی

همان‌طور که به تفصیل بحث شد، برنامه چهارم توسعه سرشار از تزریق نگاه عدالت جنسیتی به مواد قانونی است. این برنامه با تأکید بر چند کلیدواژه اساسی، مستقیماً و غیر مستقیم، به کرات بر مقوله آموزش زنان و دستیابی آنان به فرصت‌های برابر آموزشی تأکید می‌کند. برخی کلیدواژه‌ها هم‌چون دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی و «گسترش

دانش، مهارت و ارتقای بهره‌وری سرمایه‌های انسانی، به‌ویژه برای دختران و توسعه کمی و کیفی آموزش» و «برنامه آموزش برای همه» در ماده‌های این برنامه توسعه به آن اشاره شده و به طرز آشکارا و مستقیم آموزش زنان را هدف قرار داده و برخی مواد، هم‌چون «توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب» و «تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آن‌ها در کشور» و «توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار» عملاً به طور غیر مستقیم به فرایندی اشاره دارد که از معبر آموزش و به‌ویژه آموزش عالی زنان عبور خواهد کرد. بدیهی است که موادی مانند دسترسی به فرصت‌های شغلی برابر عاملی برای امیدواری و تقویت حضور زنان در آموزش عالی خواهد شد که با اطمینان به دستیابی شغل مناسب، مسیر آموزشی خود را طی کنند. بنابراین این برنامه همان‌طور که گفته شد، نگاه نسبتاً جدی و روشنی به حوزه آموزش زنان داشته و حتی به طور خاص آموزش عالی زنان و تحقق عدالت جنسیتی را در آن به رسمیت شناخته است.

۵.۵ بررسی مفاد برنامه پنجم توسعه

اما برنامه پنجم (۱۳۹۰-۱۳۹۴) موضوعی متفاوت به زن و خانواده دارد. برنامه چهارم و پنجم توسعه نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران به بلوغ برنامه‌ریزی بالاتری دست یافته‌اند. مفاد برنامه چهارم نشان می‌دهد ذائقه برنامه‌ریزان این حوزه به سمت عدالت جنسیتی آماری است و ماده یا تبصره‌ای نیست که به کیفیت آموزش متفاوت یا مشابه دختران و پسران پرداخته باشد. به نظر می‌رسد برنامه پنجم توسعه به این مقوله جدی‌تر پرداخته است. مفاد ناظر به زنان در قانون برنامه پنجم عبارت‌اند از:

ماده ۱۵: به منظور تحول بنیادین در آموزش عالی، به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی: الف) بازنگری متون، محتوا و برنامه‌های آموزشی و درسی دانشگاهی مبتنی بر آموزه‌ها و ارزش‌های دینی و هویت اسلامی - ایرانی و انقلابی با بهره‌گیری از امکانات و توانمندی‌های حوزه‌های علمیه و تأمین آموزش‌های لازم و متناسب با نقش دختران و پسران. ماده ۱۹: د) وزارت آموزش و پرورش موظف است به منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت و نیاز مناطق، به‌ویژه در مناطق کم‌تر توسعه‌یافته و رفع محرومیت آموزشی در راستای آموزش از راه دور و رسانه‌ای و تأمین هزینه‌های تغذیه، رفت و آمد، بهداشت و سایر امور مربوط به مدارس شبانه‌روزی اقدام کند.

ماده ۳۹: به منظور توانمندسازی افراد و گروه‌های نیازمند، به‌ویژه زنان سرپرست خانوار و معلولان نیازمند با تأکید بر برنامه‌های اجتماع‌محور و خانواده‌محور، با استفاده از منابع بودجه عمومی دولت و کمک‌های مردمی اقدامات زیر از طریق دولت انجام می‌شود:

ج) تأمین حق سرانه بیمه اجتماعی زنان سرپرست خانوار نیازمند، افراد بی‌سرپرست و معلولان نیازمند در طول سال‌های اجرای برنامه.

ماده ۴۳: به منظور سامان‌دهی و اعتباربخشی مراکز مشاوره متناسب با فرهنگ اسلامی - ایرانی و با تأکید بر تسهیل ازدواج جوانان و تحکیم بنیان خانواده، تأسیس مراکز و ارائه هرگونه خدمات مشاوره‌ای روان‌شناختی - اجتماعی نیازمند اخذ مجوز بر اساس آیین‌نامه مصوب هیئت وزیران است.

ماده ۱۷۶: د) کمک به تعمیق ارزش‌های انقلاب اسلامی و توسعه فرهنگ و تفکر بسیجی از طریق تشکیل هسته‌های تربیتی، غنی‌سازی اوقات فراغت، توسعه فرهنگ ارزشی و استفاده از نخبگان بسیجی برای مشاوره و تولید فکر، توسعه فرهنگ عفاف و حجاب، آشنایی با مبانی اندیشه حضرت امام (ره) با اجرای طرح‌های دانش‌جویی، دانش‌آموزی، اقشار و رده‌های مقاومت بسیج؛

ط) پشتیبانی از رده‌های مقاومت بسیج جامعه زنان، به‌ویژه در فعالیت‌های مربوط به توسعه فرهنگ عفاف و حجاب و تحکیم بنیان خانواده.

ماده ۲۰۹: به منظور تحکیم و ارتقای امنیت اجتماعی، اخلاقی و پیش‌گیری و مقابله با هرگونه ناهنجاری فرهنگی و اجتماعی و اخلال در امنیت عمومی:

ب) تمامی دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند برای اجرای طرح جامع فرهنگ عفاف و حجاب اقدامات لازم را انجام دهند و در راستای متناسب‌سازی محیط خدمتی با اقتضائات جامعه اسلامی اقدام کنند.

ماده ۲۲۷: دولت برای تهیه و تدوین «سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی» با مشارکت و برنامه‌ریزی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، سازمان بهزیستی کشور، شهرداری، وزارت کشور، شورای عالی استان‌ها، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کار و امور اجتماعی از طریق دولت در طول سال‌های برنامه اقدام قانونی به عمل آورد.

ماده ۲۳۰: دولت با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط، از جمله با هدف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» مشتمل بر

محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و سامان‌دهی امور اقتصادی - معیشتی با اولویت سامان‌دهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقای سلامت، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتقای توان‌مندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده اقدام قانونی کند.

۱.۵.۵ تحلیل تفوریک

در اجرای برنامه آموزش برای همه، دولت موظف شده است به منظور دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی، به‌ویژه در مناطق کم‌تر توسعه‌یافته، گسترش دانش، مهارت و ارتقای بهره‌وری سرمایه‌های انسانی، به‌ویژه برای دختران اقدامات مقتضی را به عمل آورد. بر فراهم کردن امکانات مناسب برای رفع محرومیت و گسترش اماکن و فضاهای آموزشی، پرورشی و ورزشی به تناسب جنسیت در قانون برنامه پنجم توسعه تأکید شده است. این ماده، که در برنامه چهارم توسعه نیز مد نظر قرار گرفته بود، در این برنامه با تأکید مضاعفی پی‌گیری شده است.

ماده ۲۳۰ به طور ویژه و برجسته همه تلاشش را کرده است که تمامی ابعاد مرتبط با جنسیت زنان را مد نظر قرار دهد و از طریق برنامه‌ریزی و تدوین سندی ملی با عنوان «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» مقوله توجه به زنان را از چند ماده محدود توسعه‌ای خارج و به قانونی مستمر و بلندمدت تبدیل کند. در واقع، با طراحی برنامه جامع توسعه زنان، در پی ایجاد سندی بالادستی برای توسعه همه‌جانبه زنان است.

در این برنامه جامع علاوه بر عناوین تکراری، هم‌چون توجه به بازنگری قوانین و تقویت جایگاه زنان در همه عرصه‌های اجتماعی و امور اقتصادی، معیشتی و فراغتی، سلامت و مشاغل، به مقولاتی هم‌چون توسعه تعاملات بین‌الملل در حوزه زنان و اصلاح ساختارهای تشکیلاتی و سازمان‌های مردم‌نهاد و پژوهش، که در برنامه‌های قبلی یا به‌ندرت به آن توجه شده بود یا اصلاً به آن توجه نشده بود، نیز پرداخته است.

بنابراین تا حدودی برنامه پنجم توسعه را با دیدگاه «نهادگرایی» مرتبط می‌دانیم. موضوع مهم دیگر در این برنامه این است که مرکز امور زنان و خانواده به همراه تمامی مراکز ذی‌ربط با موضوع جنسیت و توسعه، در کنار هم به طراحی و برنامه‌ریزی می‌پردازند؛ یعنی تمامی دستگاه‌ها موظف شده‌اند که در برنامه‌ای یک‌پارچه به مقوله زنان و توسعه توجه

کنند که این خود یکی از مزایای مهم این دوره از برنامه‌های توسعه است. تا این دوره، زنان به منزله عناصری جدا از جامعه یا در نقش موجوداتی در کنار مردان در فرایند توسعه تصور می‌شدند، اما این نوع جدید از برنامه‌ریزی، که تمامی عناصر برنامه‌ریز جامعه را به برنامه‌ریزی جنسیتی فرا خواند و نقشه‌ای جامع از حضور زنان در تمامی عرصه‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و پایش در فرایند توسعه تهیه کرد، از نقاط قوت این دوره از برنامه‌های توسعه است.

از جمله نقاط ضعفی که در این برنامه مشاهده می‌شود این است که طراحی سندی جامع در حوزه زنان و توسعه امری زمان‌بر است که باید با دقت و ملاحظات بسیاری تدوین شود، اما برنامه‌های توسعه شامل موادی است که به وضعیت جاری و عملیاتی کشور نیز توجه و نواقص فعلی‌اش را حل و فصل کند. به نظر می‌رسد این برنامه باید در کنار نگاه کلان و نسبتاً انتزاعی، به ضروریات فعلی جامعه نیز نظری می‌افکند و تا تدوین آن سند کلی چشم‌انداز کشور را در چند مقوله جنسیتی تا پایان این چهار سال روشن می‌کرد. برای مثال نباید از ایجاد فرصت‌های اشتغال‌زا برای زنانی که آموزش عالی را گذرانده‌اند و منتظر دست‌یابی به شغل تراز خودند یا برنامه‌ریزی برای آسیب‌های اجتماعی، که زنان در جامعه فعلی با آن مواجه‌اند، یا اصلاح هرچه زودتر قوانینی که به حوزه زنان و خانواده مربوط می‌شود و درصد فراوانی از افراد دست به گریبان آن‌اند به‌راحتی غفلت شود یا حتی در مورد آن تعلل شود. از این منظر، برنامه پنجم متهم به نوعی کلی‌گویی شده است.

از جمله مواد مهم این برنامه، ماده ۱۵ و بخش الف آن است. این ماده به‌شدت جنسیتی است و بر آموزش متناسب با نقش دختران و پسران و بازنویسی متون و محتوای کتب درسی تأکید دارد که اگر با دقت انجام نشود، امکان بازگشت جدی به کلیشه‌های سنتی گذشته را خواهد داشت؛ بنابراین باید توجه داشت که تولید مواد آموزشی مناسب باید در راستای ریشه‌کن کردن تعصبات منفی درباره ترقی زنان و اعتقاد به برابری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشد.

نقطه قوت این ماده این است که بالاخره سطح برنامه‌های توسعه ملی از مقوله‌های کمی به سمت مقوله‌های کیفی در حرکت است. تاکنون آنچه در برنامه‌های توسعه، به‌ویژه در مقوله آموزش مشاهده می‌شد، صرفاً توجه به تناسب و عدالت در آمارهای آموزشی بود و این برنامه نخستین تجربه‌ای است که کیفیت آموزشی را مد نظر قرار داده است.

از ویژگی‌های دیگر این برنامه توسعه، تأکید چندباره و جدی آن بر فرهنگ عفاف و حجاب است. نکته‌ای که در این مقوله از آن غفلت شده این است که این فرهنگ امری

یک طرفه و زنانه نیست؛ بنابراین به نظر نمی‌رسد تأکید بر استفاده از بسیج زنان گره‌ای از این کار بگشاید. از آن‌جا که مقوله عفاف و حجاب به شدت در متون دینی ما مقوله‌ای جنسیتی معرفی شده است و مرد و زن هر دو به این امر دعوت شده‌اند، بنابراین نقضی در این برنامه پیش می‌آید که درباره فرهنگ‌سازی مردانه در کنار فرهنگ‌سازی زنانه غفلت شده و این تجربه‌ای است که متأسفانه در تمامی برنامه‌های توسعه تکرار شده و این برنامه نیز از آن مستثنی نیست.

۲.۵.۵ تحلیل خاص آموزشی

همان‌طور که در مبحث پیشین ذکر شد، برنامه پنجم توسعه برنامه‌ای است که به عنصر «کیفیت» و «محتوا» توجه ویژه کرده است. به نگرش کمی با کلیدواژه‌هایی مانند «تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت و نیاز مناطق، به ویژه در مناطق کم‌تر توسعه یافته و رفع محرومیت آموزشی، با آموزش از راه دور» می‌توان پی برد. بدیهی است که تحقق فرایندی مانند آموزش از راه دور به چه میزان در رشد آموزشی دختران و ایجاد آرامش خاطر برای والدینی که ناشی از تأثیرات فرهنگی و مذهبی به آموزش‌های دور از خانواده دخترانشان بدبین و ناخرسندند کمک می‌کند. هم‌چنین برنامه پنجم توسعه با موادی هم‌چون «تحول بنیادین در آموزش عالی»، «تقویت دوره‌های تحصیلات تکمیلی با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای دانش بشری، با اولویت نیاز بازار کار» و «تدوین و ارتقای شاخص‌های کیفی، به ویژه در رشته‌های علوم انسانی و تأمین آموزش‌های لازم و متناسب با نقش دختران و پسران» دغدغه خود را درباره کیفیت مقوله آموزش عالی نشان داده و اهمیت این موضوع را با این دست از ماده‌های قانونی برای خود دوچندان کرده است.

۶. بررسی وضعیت اجرایی برنامه‌های توسعه و دستیابی به اهداف آن‌ها، به ویژه در امر آموزش عالی

حضور گسترده و روزافزون زنان در این عرصه، این پدیده را از جوانب گوناگون به قالب مسئله‌ای اجتماعی شایان بررسی و تحقیق کرده است. تجربه دهه‌های اخیر کشورهای در حال توسعه مبین آن است که افزایش سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، به ویژه آموزش زنان، زمینه لازم را برای رشد اقتصادی بالاتر و رفاه اجتماعی بیش‌تر مهیا می‌کند. از آن‌جا که بر اساس منشور سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۸، همه دولت‌ها موظف شده‌اند تا سال ۲۰۱۵ اولاً زمینه آموزش عمومی همه زنان را فراهم کنند و ثانیاً در راستای افزایش توان‌مندسازی

آنان و تساوی جنسیتی گام بردارند، نشان می‌دهد که این پدیده نه تنها منحصر به کشور ما نیست، بلکه امری هماهنگ در عرصه جهانی است و شاخصه‌هایی نیز برای رتبه‌بندی کشورها در این حوزه تعیین شده است. بنابراین در این بخش برآنیم وضعیت آموزش عالی را در دوران اجرای پنج برنامه توسعه در ایران بررسی و روند آن را در شاخصه‌های استاندارد آموزش عالی رصد کنیم.

۱.۶ تفکیک بر حسب تعداد داوطلبان و پذیرفته‌شدگان

نخستین جدول نسبت پذیرفته‌شدگان و داوطلبان زن و مرد را در آموزش عالی طی برنامه‌های گوناگون توسعه نشان می‌دهد. همان‌طور که پیداست، این جمعیت رشد صعودی درخور توجهی را، به‌ویژه در زنان، طی کرده است. اما آنچه مهم است توجه به این امر است که به رغم درصد بیش‌تر داوطلبان دختر در مقایسه با داوطلبان پسر در سال‌های اخیر، پذیرفته‌شدگان دختر در دوره آخر کم‌تر از پذیرفته‌شدگان پسر بوده‌اند.

جدول ۱. نسبت داوطلبان در آموزش عالی

سال		تعداد زنان	تعداد مردان	درصد پذیرفته‌شدگان زن
برنامه اول و دوم توسعه	۱۳۶۵-۱۳۶۶	-	-	-
	۱۳۷۵-۱۳۷۶	۵۸۲۵۳۵	۶۷۶۴۹۳	۴۶٪
برنامه سوم و چهارم توسعه	۱۳۸۵-۱۳۸۶	۸۲۵۷۸۲	۵۱۸۱۱۳	۶۱٪
	۱۳۸۸-۱۳۸۹	۷۶۴۵۳۶	۴۶۳۳۱۸	۶۲٪

* مرکز آمار زنان، شورای فرهنگی - اجتماعی زنان به جز آمار دانشگاه آزاد

جدول ۲. نسبت پذیرفته‌شدگان در آموزش عالی

سال		تعداد زنان	تعداد مردان	درصد پذیرفته‌شدگان زن
برنامه اول و دوم توسعه	۱۳۶۵-۱۳۶۶	۵۱۷۷۶	۱۲۲۱۹۱	۲۹٪
	۱۳۷۵-۱۳۷۶	۱۳۲۲۲۹	۱۷۳۴۱۵	۴۳٪
برنامه سوم و چهارم توسعه	۱۳۸۵-۱۳۸۶	۳۸۱۸۲۶	۳۶۰۲۰۹	۵۱٪
	۱۳۸۹-۱۳۹۰	۵۸۰۳۷۲	۶۸۶۰۷۲	۴۵٪

* دانشگاه آزاد اسلامی

* اداره کل فناوری اطلاعات و ارتباطات، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

جدول ۳ نیز نشان‌دهنده نسبت دانش‌جویان مشغول به تحصیل در هریک از دوره‌های توسعه‌ای است. سیر صعودی طی برنامه‌های اول و دوم و سوم و سیر نزولی این میزان پس از اجرای برنامه چهارم توسعه، به‌رغم تعداد بیش‌تر داوطلبان دختر، تأمل‌برانگیز است. این در حالی است که برنامه چهارم به جد در پی برقراری عدالت جنسیتی در آموزش بوده است.

جدول ۳. نسبت دانش‌جویان زن در تمامی مقاطع تحصیلی آموزش عالی

سال		تعداد زنان	تعداد مردان	نسبت دانش جویان زن
برنامه اول و دوم توسعه برنامه سوم و چهارم توسعه	۱۳۶۵-۱۳۶۶	۶۲۰۴۹	۱۴۲۸۹۶	٪۳۰
	۱۳۷۵-۱۳۷۶	۴۵۹۷۵۹	۷۳۲۷۷۹	٪۳۸
	۱۳۸۵-۱۳۸۶	۱۳۲۷۱۷۱	۱۱۷۲۰۵۰	٪۵۳
	۱۳۸۸-۱۳۸۹	۲۲۸۰۹۲۴	۲۴۶۰۳۲۶	٪۴۸

* دانشگاه آزاد اسلامی

* اداره کل فناوری اطلاعات و ارتباطات، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۲.۶ تفکیک به نسبت رشته‌های تحصیلی

جدول چهارم، که حوزه علوم انسانی را شامل می‌شود، هم‌چنان با حضور چشم‌گیر زنان و با درصدی بیش از درصد مردان روبه‌روست.

جدول ۴. نسبت دانش‌جویان زن در رشته‌های علوم انسانی

سال		تعداد زنان	تعداد مردان	نسبت دانش‌جویان زن
برنامه اول و دوم توسعه	۱۳۶۵-۱۳۶۶	۳۲۹۹۸	۳۸۵۷۱	٪۴۴
	۱۳۷۵-۱۳۷۶	۲۷۲۲۷۵	۳۴۴۶۵۹	٪۴۶
برنامه سوم و چهارم توسعه	۱۳۸۵-۱۳۸۶	۷۸۸۸۵۳	۴۸۸۱۶۸	٪۶۱
	۱۳۸۸-۱۳۸۹	۱۲۳۱۶۵۸	۸۴۶۴۹۱	٪۵۹

* اداره کل فناوری اطلاعات و ارتباطات، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

جدول ۵ نیز نشان می‌دهد که حضور زنان به درصدی نزدیک به ۷۰ رسیده و حتی گوی سبقت را از حوزه علوم انسانی، که در ابتدای امر شامل حضور بیش‌تر زنان بود، ربوده است. این نشان می‌دهد که اقبال زنان به حوزه علوم انسانی رفته‌رفته کاهش یافته و به سمت علوم طبیعی کشیده شده است.

جدول ۵. نسبت دانش‌جویان زن در رشته‌های علوم پایه

سال		تعداد زنان	تعداد مردان	نسبت دانش جویان زن
برنامه اول و دوم توسعه	۱۳۶۵-۱۳۶۶	۷۰۵۲	۱۴۱۷۹	٪۳۳
	۱۳۷۵-۱۳۷۶	۲۶۶۰۹	۱۶۸۳۴	٪۶۱
برنامه سوم و چهارم توسعه	۱۳۸۵-۱۳۸۶	۲۱۶۵۱۸	۹۹۰۱۵	٪۶۸
	۱۳۸۸-۱۳۸۹	۲۸۲۳۴۲	۱۲۲۲۷۹	٪۶۹

* اداره کل فناوری اطلاعات و ارتباطات، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

جدول ۶ جدولی تأمل برانگیز است. مقایسه این جدول با دو جدول بالا نشان می‌دهد که حضور زنان و مردان در رشته‌های دانشگاهی به شدت جنسیتی است. نقش بسیار کم‌رنگ زنان ممکن است گویای کلیشه‌های تاریخی جنسیتی مبنی بر ناتوانی زنان در حوزه‌های ریاضی و فنی باشد. این حوزه نقش خود را چنان قدرت‌مند ایفا می‌کند که هنوز زنان نتوانسته‌اند اعتماد به نفس لازم را برای نشان دادن قابلیت‌ها و توان‌مندی‌های خود در این عرصه به دست آورند.

جدول ۶. نسبت دانش‌جویان زن در رشته‌های فنی و مهندسی

سال		تعداد زنان	تعداد مردان	نسبت دانش جویان زن
برنامه اول و دوم توسعه	۱۳۶۵-۱۳۶۶	۲۳۷۹	۶۸۴۹۰	٪۰۳
	۱۳۷۵-۱۳۷۶	۲۸۳۴۸	۲۰۱۷۷۲	٪۱۲
برنامه سوم و چهارم توسعه	۱۳۸۵-۱۳۸۶	۱۶۸۷۳۴	۴۵۵۱۲۴	٪۲۶
	۱۳۸۸-۱۳۸۹	۳۵۸۴۹۴	۱۲۱۲۹۸۳	٪۲۲

* اداره کل فناوری اطلاعات و ارتباطات، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

جدول ۷ بیش‌ترین پذیرش زنان را در رشته‌های دانشگاهی از آن خود کرده است. این میزان به حدی است که نزدیک به مرز ۹۰ درصد رسیده است و عملاً در آینده‌ای نه‌چندان دور باید شاهد اشغال پست‌ها و مشاغل مرتبط با سلامت جامعه به دست زنان باشیم.

جدول ۷. نسبت دانش‌جویان زن در رشته‌های پزشکی

سال		تعداد زنان	تعداد مردان	نسبت دانش‌جویان زن
برنامه اول و دوم توسعه	۱۳۶۵-۱۳۶۶	۱۸۸۶۰	۲۲۱۴۴	٪۴۵
	۱۳۷۵-۱۳۷۶	۷۴۷۷۴	۵۰۳۵۷	٪۵۹
برنامه سوم و چهارم توسعه	۱۳۸۵-۱۳۸۶	۳۹۱۴۰	۶۰۹۸	٪۸۶
	۱۳۸۹-۱۳۹۰	۱۵۶۴۸۱	۵۷۹۲۸	٪۷۲

* دانشگاه آزاد اسلامی و اداره کل فناوری اطلاعات و ارتباطات، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

(گفتنی است که رشته هنر با علوم انسانی وضعیت مشابهی دارد، بنابراین از آوردن آن خودداری شد. نتیجه این که به نظر می رسد نقش برنامه سوم و چهارم توسعه در رشد حضور زنان در آموزش عالی بسیار مؤثر و کارآمد بوده است. کاهش کلی میزان حضور زنان در آخرین مرحله جداول، نشان دهنده سیاست خاصی است که به احتمال زیاد باید ریشه اش را در آغاز طرح ریزی برنامه پنجم توسعه ردیابی کرد).

۳.۶ تفکیک بر اساس مقاطع تحصیلی

جدول ۸ نشان می دهد که زنان در مقطع کارشناسی، که به نحوی اصلی ترین مقطع آموزش عالی به شمار می رود، در چندین سال اخیر تا مرز ۶۰ درصد را به خود اختصاص داده اند، اما کاهش درصدی آمار دختران در آخرین مرحله جدول، که در تمامی جداول قبلی پی گیری می شده، در این جدول نیز وجود دارد.

جدول ۸. نسبت دانش جویان زن در مقطع کارشناسی

سال		تعداد زنان	تعداد مردان	درصد پذیرفته شدگان زن
برنامه اول و دوم توسعه	۱۳۶۵-۱۳۶۶	۴۳۳۳۲	۸۹۲۰۵	۳۲٪
	۱۳۷۵-۱۳۷۶	۳۷۳۴۰۹	۵۶۲۸۰۵	۳۹٪
برنامه سوم و چهارم توسعه	۱۳۸۵-۱۳۸۶	۱۰۳۴۷۴۲	۷۶۸۶۹۰	۵۷٪
	۱۳۸۸-۱۳۸۹	۱۶۹۲۶۵۸	۱۴۹۳۰۶۲	۵۳٪

* اداره کل فناوری اطلاعات و ارتباطات، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

* مرکز آمار زنان ایران

جدول ۹ نکته جالبی را نشان می دهد. با وجودی که در تمامی جداول قبلی با کاهش جمعیت دختران در مرحله آخر مواجه شده ایم، در این جدول افزایش دو برابری دختران مشاهده می شود. این امر نشان می دهد که جمعیت ۵۷ درصدی قبول شدگان مقطع کارشناسی با رشد بیش تری وارد مرحله کارشناسی ارشد شده اند و نزدیک به ۹۰ درصد از صندلی های کارشناسی ارشد در اختیار دختران قرار دارد؛ بنابراین برنامه چهارم توسعه بیش ترین تأثیرش را در مقطع کارشناسی ارشد بر آموزش عالی دختران گذاشته است.

نکته درخور توجه این جدول این است که در ردیف آخر آن، تعداد شرکت کنندگان دختر در کارشناسی ارشد نزدیک به ۳۰ هزار نفر کم تر از پسران است، اما قبولی دختران ۳۰ درصد بیش تر از پسران است. این موضوع نشان می دهد که هیچ گونه تبعیضی در این زمینه صورت نگرفته و مبنای قبولی شایستگی است.

جدول ۹. نسبت دانش جویان زن در مقطع کارشناسی ارشد

نسبت دانش جویان زن	تعداد مردان	تعداد زنان	سال	
۲۱٪	۴۸۵۱	۱۳۱۵	۱۳۶۶-۱۳۶۵	برنامه اول و
۲۱٪	۳۵۲۷۰	۹۶۳۲	۱۳۷۶-۱۳۷۵	دوم توسعه
۴۳٪	۶۲۰۲۶	۴۶۹۰۳	۱۳۸۶-۱۳۸۵	برنامه سوم و
۸۸٪	۱۴۴۴۱۱	۱۱۳۷۷۴	۱۳۸۹-۱۳۸۸	چهارم توسعه

* اداره کل فناوری اطلاعات و ارتباطات، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

* مرکز آمار زنان ایران

دور از انتظار نخواهد بود که رشد ۸۶ درصدی دختران در مقطع کارشناسی ارشد به دوره دکتری نیز تسری یابد. همان طور که از جدول ۱۰ نیز پیداست، ورود دختران به مقطع دکتری تا به حال هیچ گونه سیر نزولی را تجربه نکرده است و در حال حاضر وضعیت برابری را با مردان تجربه می کند.

جدول ۱۰. نسبت دانش جویان زن در مقطع دکتری

نسبت دانش جویان زن	تعداد مردان	تعداد زنان	سال	
۳۱٪	۱۴۳۰۸	۶۶۴۵	۱۳۶۶-۱۳۶۵	برنامه اول و
۳۳٪	۳۸۸۵۲	۱۹۶۸۰	۱۳۷۶-۱۳۷۵	دوم توسعه
۳۹٪	۱۶۸۵۰	۱۱۱۶۵	۱۳۸۶-۱۳۸۵	برنامه سوم و
۴۷٪	۵۰۹۱۱	۴۵۵۶۷	۱۳۹۰-۱۳۸۹	چهارم توسعه

* اداره کل فناوری اطلاعات و ارتباطات، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

* مرکز آمار زنان ایران

۴.۶ آمار به تفکیک رده های شغلی در آموزش عالی

اگر جدول ۱۱ را به تنهایی بنگریم، اوضاع زنان در هیئت علمی دانشگاه ها بسیار ناخوشایند است، اما اگر نمودار پایین را نیز در کنار آن بررسی کنیم، خواهیم دید که گرچه حضور زنان در هیئت علمی به تبع کم بودن حضورشان در سال های نسبتاً دور در آموزش عالی ناچیز است، اما آمار بالا و نسبتاً ۳۶ درصدی زنان در مقطع استادیاری نشان می دهد که در آینده های نزدیک برابری زنان و مردان را در هیئت های علمی مشاهده خواهیم کرد. هم چنین رشد ۴۱ درصدی در مقطع مربی این نتیجه را به طور مضاعفی تأیید می کند.

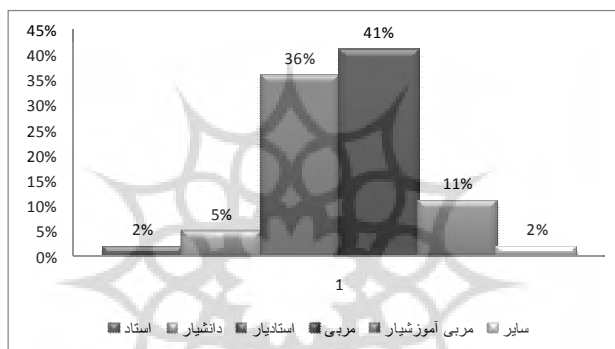
۱۲۲ بررسی تطبیقی پنج برنامه توسعه کشور پیرامون دستیابی به عدالت جنسیتی ...

جدول ۱۱. نسبت زنان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی

سال	تعداد زنان	تعداد مردان	نسبت زنان عضو هیئت علمی
برنامه اول و	۱۳۶۵-۱۳۶۶	۲۲۹۳	۱۵٪ ^(۱)
دوم توسعه	۱۳۷۵-۱۳۷۶	۸۶۵۵۵	۱۶٪
برنامه سوم و	۱۳۸۵-۱۳۸۶	۴۳۴۱۸	۲۰٪
چهارم توسعه	۱۳۸۸-۱۳۸۹	-	-

* اداره کل فناوری اطلاعات و ارتباطات، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

(۱) به استثنای دانشگاه آزاد



۵.۶ آمار به تفکیک تولید علم و دانش

مقالات و کتب ترجمه و تألیف شده به دست زنان و مردان حاکی از سهم آن‌ها در توسعه علمی کشور است. بنابراین باید دید آیا افزایش چشم‌گیر زنان در حوزه آموزش عالی توانسته است در حوزه تولید علم نیز سهم‌بری بالایی داشته باشد یا خیر؟

جدول ۱۲. نسبت مقالات و کتاب‌های ترجمه و تألیف شده به دست زنان

سال	تعداد زنان	تعداد مردان	درصد زنان
برنامه اول و	۱۳۶۵-۱۳۶۶	-	-
دوم توسعه	۱۳۷۵-۱۳۷۶	۷۱۰۴	۱۴٪
برنامه سوم و	۱۳۸۵-۱۳۸۶	۱۷۹۲۷	۱۸٪
چهارم توسعه	۱۳۸۹-۱۳۹۰	-	۲۱٪

* زنان در عرصه فرهنگ و هنر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

* مرکز اطلاع‌رسانی خانه کتاب

همان‌طور که مشاهده می‌شود، آمارها بیان‌گر آن است که تعداد کتاب‌ها و مقالات ترجمه و تألیف‌شده به دست زنان بسیار کم بوده است؛ ضمن آن‌که تعداد مؤلفان و مترجمان زن نیز در مقایسه با مردان بسیار اندک است.

جدول ۱۳. تعداد مؤلفان و مترجمان

سال		مؤلفان		مترجمان	
		درصد زنان	درصد مردان	درصد زنان	درصد مردان
برنامه اول و	۱۳۶۵-۱۳۶۶	-		-	-
دوم توسعه	۱۳۷۵-۱۳۷۶	۸٪	۹۲٪	۱۷٪	۸۲٪
برنامه سوم و	۱۳۸۵-۱۳۸۶	۵٪	۸۵٪	۲۲٪	۷۸٪
چهارم توسعه	۱۳۸۹-۱۳۹۰	۱۸٪	۸۲٪	۲۷٪	۷۳٪

* زنان در عرصه فرهنگ و هنر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

* مرکز اطلاع‌رسانی خانه کتاب

جدول ۱۴. پژوهش‌گران برگزیده از دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی

سال		علوم انسانی		علوم پایه		فنی و مهندسی		جمع	
		زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	درصد زنان	درصد مردان
برنامه اول و	۱۳۶۵-۱۳۶۶	-				-		-	
دوم توسعه	۱۳۷۵-۱۳۷۶	-	-	-	-	-	-	-	-
برنامه سوم و	۱۳۸۵-۱۳۸۶	۱	۲۷	۴	۳۶	۰	۳۳	۵٪	۹۵٪
چهارم توسعه	۱۳۸۹-۱۳۹۰	-	-	-	-	-	-	-	-

* دبیرخانه هفته پژوهش کشور

بنابراین حضور زنان به رغم آن‌که در عرصه ورود به آموزش عالی رشد چشم‌گیری داشته است، اما حضورشان به همان نسبت در عرصه تألیف و ترجمه رشد نکرده است. بنابراین گفتنی است این عرصه تحت پوشش نسبتاً کامل مردان است و ضرورت دارد که شرایط لازم برای ترغیب و تشویق زنان فارغ‌التحصیل و دانش‌جویان، به‌ویژه در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، که جمعیتی معادل مردان را در دانشگاه به خود اختصاص داده‌اند، به فرایند تولید دانش فراهم شود تا بدین ترتیب، سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌های مرتبط با این حوزه، بدون بازدهی و بهره‌برداری رها نشود؛ بنابراین مسئولان و

سیاست‌گذاران آموزشی باید به فرهنگ‌سازی برای خودباوری زنان در حوزه تولید علم توجه کنند تا زنان نیز بتوانند سهم عمیق و قدرت‌مندشان را در جریان توسعه کشور، به ویژه در عرصه تولید علم، ایفا کنند.

۷. بررسی شاخص‌های جهانی در عرصه آموزش عالی و مقایسه وضعیت ایران با آن‌ها

۱.۷ بررسی شاخص‌های کمی

پس از بررسی نتایج آماری پیرامون وضعیت آموزش عالی در ایران، بهتر است به شاخص‌های کمی و کیفی فعلی آموزش عالی در جهان بپردازیم تا ببینیم که دستیابی به آمارهای برابر در آموزش عالی ما را تا چه حد به وضعیت ایده‌آل رسانده است و سیاست‌گذاری‌ها باید چگونه صورت گیرد؟

نخست وضعیت ایران را در مقایسه با چند کشور برتر توسعه‌یافته به لحاظ سه شاخص کمی آموزش عالی زنان بررسی می‌کنیم:

۱. سهم زنان در «ثبت نام در آموزش عالی»؛

۲. سهم زنان در «کارکنان آموزشی»؛

۳. سهم زنان در «محققان».

رتبه جهانی توسعه انسانی (HDI Rank) ۲۰۱۰	کشور	درصد سهم زنان در مقایسه با کل ثبت‌نام‌کنندگان	درصد سهم زنان در مقایسه با کل کارکنان آموزشی	درصد سهم زنان در مقایسه با کل محققان
۸۸	ایران	۵۲	۲۳	۲۴
۱	نروژ	۶۰	۴۱	۳۳
۴	امریکا	۵۷	۴۵	-
۵	نیوزیلند	۵۹	۵۰	۳۹

Women's share in total tertiary enrolment: UNESCO Institute for Statistics

UIS Data Centre• <http://www.uis.unesco.org>.

اگر داده‌های این جدول را به‌خوبی بررسی کنیم، درمی‌یابیم که زنان ایرانی در شاخص ثبت نام در آموزش عالی در حد بسیار خوبی قرار دارند و این موضوع را آمارهای داخلی

نیز تأیید می‌کند، اما آنچه جای تأمل و برنامه‌ریزی بیش‌تر دارد، وضعیت ایران در میان دو شاخص دیگر، یعنی کارکنان آموزشی و محققان است که آمارهای داخلی نیز مؤید این مسئله بوده است. اگرچه در میان کشورهای پیشرفته نیز سهم زنان محقق فاصله تا حدی نابرابر با مردان دارد، اما ایران نیز راه درازی تا رساندن خود به آن نسبت‌ها در پیش دارد؛ بنابراین سیاست‌های کلان آموزشی باید قاطعانه به سمت تولید علم به دست زنان محقق و تحصیل‌کرده در آموزش عالی پیش رود تا بدین وسیله میزان هزینه و سرمایه‌گذاری، که در این عرصه صورت گرفته، بی‌نتیجه و بی‌بازگشت نباشد.

شایان ذکر است که در میان کشورهای منطقه نیز وضعیت کشورهای قطر، کویت، قرقیزستان، بحرین و امارات از ایران بهتر است (۲۰۱۰ Statistical Annex-The World's Women).

۲.۷ بررسی شاخص‌های کیفی

آموزش عالی در عرصه بین‌المللی شامل هشت شاخص استاندارد است. این شاخص‌ها به استثنای دو شاخص اول، که نرخ ثبت نام افراد هر کشور را در آموزش متوسطه و آموزش عالی نشان می‌دهند، به بررسی کیفیت آموزش عالی در کشورها می‌پردازند و شاخص‌های جهانی اهداف کیفی را در الویت‌های برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری خود قرار داده‌اند. از این روست که توجه به جایگاه ایران در هر یک از این شاخص‌ها، نشان خواهد داد که کدام مقوله باید در برنامه‌ریزی‌های توسعه در کشور مد نظر قرار گیرد.

رتبه ایران در هشت شاخص آموزش عالی در جهان

شاخص‌ها	سال ۲۰۱۱	سال ۲۰۱۲
آموزش عالی و کارآموزی	۸۷	۸۹
ثبت نام در آموزش عالی	۶۲	۶۵
ثبت نام در آموزش متوسطه	۸۹	۸۰
کیفیت نظام آموزشی	۱۰۸	۱۰۴
کیفیت مدارس مدیریت	۸۷	۹۴
قابلیت دسترسی محلی به خدمات پژوهشی و آموزشی تخصصی	۷۴	۷۹
کیفیت دسترسی به اینترنت	۱۱۴	۱۱۸
میزان آموزش کارکنان	۱۳۲	۱۳۳
کیفیت آموزش علوم و ریاضیات	۴۱	۳۵

* مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی ۲۰۱۲

از بررسی شاخص «آموزش عالی و کارآموزی» ایران مشخص می‌شود که کشورهای اسکاندیناوی، مانند سوئد، سوئیس، نروژ و فنلاند به علاوه بسیاری از کشورهای صنعتی، از جمله امریکا، آلمان، ژاپن، نیوزیلند و کانادا در بسیاری از متغیرهای گفته شده مطلوب‌ترین وضعیت را در جهان احراز کرده‌اند. هر چند دستیابی به وضعیت مطلوب جهانی برای ایران اگر غیر ممکن نیز نباشد، بسیار سخت است، اما دستیابی به وضعیت مناسب در آموزش عالی و کارآموزی برخی کشورهای منطقه، از جمله ترکیه (رتبه ۷۴) و به ویژه کره جنوبی (رتبه ۱۷) نیز چندان آسان نیست.

بنابراین با هدف توسعه این مؤلفه، ایران باید در اجزای هشت‌گانه تبیین‌کننده آموزش عالی و کارآموزی به ترتیب اهمیت در بیش از شش متغیر، از جمله میزان آموزش کارکنان، دسترسی به اینترنت در مدارس، کیفیت نظام آموزشی، کیفیت مدارس مدیریت، قابلیت دسترسی محلی به خدمات پژوهشی و آموزشی تخصصی و ثبت نام در آموزش متوسطه اهتمام ویژه‌ای به عمل آورد، در غیر این صورت وضعیت ایران در اجزای هشت‌گانه این مؤلفه از آنچه امروز موجود است نیز بدتر خواهد شد و جایگاه رقابت‌پذیری ایران در جهان به شدت آسیب خواهد دید.

هم‌چنین کاهش رتبه ایران در چندین مؤلفه در ۲۰۱۲ در مقایسه با ۲۰۱۱ الزاماً به معنای پس‌رفت کیفیت آموزش عالی نیست؛ بلکه این کاهش رتبه‌ها نشان می‌دهد که سایر کشورها با سرعتی بیش از ایران به سمت بهبود وضعیتشان پرداخته‌اند و رتبه‌هایشان را در برابر ایران افزایش داده‌اند.

نکته درخور توجه دیگر این است که در مؤلفه نرخ ثبت نام آموزش عالی و حتی آموزش متوسطه، رتبه ایران بسیار پایین است. رتبه ۶۵ در ثبت نام آموزش عالی نشان می‌دهد که حجم ثبت‌نام‌کنندگان در آموزش عالی ایران در مقایسه با کل جمعیت وضعیت قابل قبولی ندارد؛ بنابراین ایران هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی باید رتبه خود را در این شاخص‌ها ارتقا دهد.

۸. نتیجه‌گیری

۱.۸ بررسی برنامه‌های توسعه و عدالت جنسیتی

آشکار است که نقش سرمایه انسانی کشورها به چه میزان در رشد و توسعه آن کشور اثربخش است و این که آموزش عالی یک کشور چه نقش حیاتی ای در این میان ایفا می کند. همان طور که در فرایند گزارش مشاهده شد، گذر زمان باعث حساس شدن نگرش مسئولان و سیاست گذاران توسعه درباره مسئله جنسیت شده است؛ بنابراین هرچه از برنامه اول به سمت برنامه پنجم پیش می رویم، مواد قانونی بیش تری را با رویکرد جنسیتی مشاهده می کنیم. از طرفی، بر الزام نهادها و سازمان های اجرایی برای تحقق این مواد نیز به صورت جدی تری تأکید و پی گیری شده است و حتی نهادهای ذی ربط، مانند مرکز امور زنان ریاست جمهوری یا بخش های متناظر با این هدف در ارگان ها و سازمان های متناظر تأسیس شده اند. هم چنین اسنادی جامع، مانند برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده برای تحقق هرچه بیش تر این هدف در حال تدوین است که این خود نشان دهنده دغدغه و حساسیت مسئولان درباره مقوله جنسیت است.

برنامه اول و دوم فارغ از هرگونه برنامه ریزی جنسیتی است. برنامه سوم نیز بیش تر در پی شناسایی رابطه و نوع هدف های جنسیت و توسعه است و از آن جا که مفاهیم زنان و توسعه مفاهیمی است که تازگی دارد و با راه و رسم متعارف اندیشه توسعه سنتی سازگار نیست، تلاشش را بیش تر بر کشف و فهم هرچه بیش تر رابطه این دو مقوله، زن و توسعه، گذاشته است، اما برنامه چهارم توسعه در راستای تحقق اهداف جنسیتی در فرایند توسعه حرکتی قدرت مند انجام داده است و به شکل مطلوبی هم به منافع و هم به سهم زنان در جریان توسعه توجه کرده است. برنامه پنجم توسعه برنامه ای است که اگرچه در مفاد خود به میزان محدودی به مقوله جنسیت اشاره کرده است، اما در یکی از موادش تدوین سند جامع توسعه و زنان را به جد از نهادهای ذی ربط خواستار شده است، اما در طی مدت زمانی که این برنامه تدوین خواهد شد، حرکت های اجرایی کشور را به مدت چهار سال از برنامه ریزی جنسیتی در حوزه های اقتصادی، اشتغال، سلامت و آموزش، فارغ از الزام و بازخواست قرار داده است.

در نهایت گفتنی است که دستیابی به ایده آل رابطه جنسیت و توسعه کار آسانی نیست و همتی مبتنی بر آگاهی، علم و تجربه می طلبد که در آن تمامی سطوح سیاست گذار، برنامه ریز و مجری در راستای حمایت از تحقق این هدف گام بردارند و نقش های چندگانه زنان را در تدوین قوانین، سیاست ها و برنامه ها به رسمیت بشناسند.

۲.۸ بررسی وضعیت آموزش عالی در گذر از اجرای برنامه های توسعه

به رغم این که برنامه اول و دوم و تا حدی سوم توسعه به طور اخص به سیاست گذاری در حیطه آموزش عالی و تناسب جنسیتی آن هیچ اشاره ای نکرده اند، اما واقعه ای خودانگیخته، زنان و دختران را در عرصه آموزش عالی با رشد روزافزونی مواجه کرده است. برنامه چهارم توسعه نیز سرشار از تزریق نگاه عدالت جنسیتی به مواد قانونی است. این برنامه با تأکید بر چند کلیدواژه اساسی، مستقیم و غیر مستقیم به ارتقای جایگاه آموزش عالی زنان توجه کرده است. بدیهی است موادی چون دسترسی به فرصت های شغلی برابر عاملی برای امیدواری و تقویت حضور زنان در آموزش عالی خواهد شد.

همان طور که قبلاً گفته شد، برنامه پنجم برنامه ای است که به کیفیت و محتوا توجه ویژه ای داشته است؛ بنابراین از مواد این برنامه چنین استخراج می شود که برنامه ریزان این مقطع، به عنصر آموزش و توانمندی زنان، هم به صورت کمی و هم کیفی، عنایت ویژه ای داشته اند.

اما آنچه آمار و ارقام این چند سال نشان می دهد بیانگر این است که گرچه در تمامی این دوره های توسعه همواره رشد صعودی زنان را در آموزش عالی مشاهده کرده ایم، اما تلاش زنان در کسب مدارج عالی تحصیلی و افزایش رو به رشد آنان در دانشگاه ها با میزان تولید دانش و دریافت جوایز علمی به هیچ وجه همخوانی ندارد؛ بنابراین زنان هم چنان در تأمین معیارهای مطلوب کیفی، اعم از تولید دانش، تألیف و پژوهش هم چنان ناتوان اند. این تجربه نشان می دهد که برنامه ریزی های توسعه ای باید توجه خود را از کمیت به سمت الگوهای کیفی و تقویت آنها پیش ببرد تا بهره وری لازم از این سرمایه گذاری کلان فراهم شود.

۳.۸ تطبیق با شاخص های جهانی

آموزش عالی در عرصه بین المللی شامل هشت شاخص استاندارد است. این شاخص ها به استثنای دو شاخص اول، که نرخ ثبت نام افراد هر کشور را در آموزش متوسطه و آموزش عالی نشان می دهند، به بررسی کیفیت آموزش عالی در کشورها می پردازند و شاخص های جهانی اهداف کیفی را در الویت های برنامه ریزی و سیاست گذاری خود قرار داده اند که حاکی از اهمیت شاخص های کیفی در عرصه برنامه ریزی آموزشی در جهان است، اما آمارها نشان می دهند که متأسفانه وضعیت ایران در میان کشورها در این هشت شاخصه چندان راضی کننده نیست و رتبه ۸۹ را در میان کشورها دارد.

در نهایت باید به این موضوع توجه کرد که آموزش عالی حوزه‌ای چندجانبه است و باید هم‌چون منظومه‌ای یک‌پارچه برای آن برنامه‌ریزی دقیق شود و مجموعه‌های گوناگون نظام در این راستا با یک‌دیگر هماهنگ شوند تا نتیجه حاصل شده در فرایند توسعه اثربخش باشد و بتوان از مجرای این عرصه مهم و حیاتی به توسعه‌ای مناسب، متوازن و پایدار، که مطابق با شرایط بومی کشور و در راستای الگوی ایرانی و اسلامی پیشرفت است، دست یابیم و بدیهی است که نتیجه این برنامه‌ریزی، تعالی و کرامت هر انسان، اعم از زن و مرد در جامعه ایران خواهد بود.

منابع

- باستانی، سوسن (۱۳۸۳). «توسعه، برابری و جنسیت: جایگاه ایران در میان کشورهای جهان»، *مطالعات زنان*، ش ۴.
- پریابرونو، خاویر (۱۳۸۸). «مطالعات فمینیستی و استراتژی‌های توسعه»، ترجمه مرضیه سلیمانی، حکمت و فلسفه.
- جوادی، محمدحسین، افسانه کورنگ و نفیسه محمدی (۱۳۸۵). «بررسی نظام آموزش عالی کشورهای جهان و ایران»، سایت: www.sid.ir
- زعفرانی، لیلاسادات (۱۳۸۴). «روی‌آورد فمینیسم به اقتصاد»، *مجله راهبردی زنان*، ش ۳۰.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۱). توسعه و چالش‌های زنان ایران، تهران: قطره.
- شکوری‌راد، صدیقه (۱۳۸۰). «توسعه مشارکت زنان در آموزش عالی»، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی
- صادقی، مسعود و مصطفی عمادزاده (۱۳۸۳). «تحلیلی بر عوامل اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان»، *مجله پژوهش زنان*، دوره دوم، ش ۱.
- صدیقی، مرضیه (۱۳۷۶). «ضرورت نگرش ویژه به زنان در برنامه‌های توسعه»، *پیام زن*، ش ۷۱.
- عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۲). «اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش زنان»، *مجله پژوهش زنان*، دوره اول، ش ۷.
- قانع‌راد، امین و اکرم قدیمی (۱۳۸۷). «ناموزونی مشارکت زنان در آموزش عالی»، *مجله علمی - پژوهشی تحقیقات زنان*، دوره دوم، ش ۳.
- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی).
- قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی).
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی).
- قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (سازمان مدیریت و

۱۳۰ بررسی تطبیقی پنج برنامه توسعه کشور پیرامون دستیابی به عدالت جنسیتی ...

اجتماعی).

قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، برنامه‌ریزی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی).

قره یاضی، هاید (۱۳۸۲). «لزوم نگرش جنسیتی در تدوین برنامه چهارم توسعه»، فصل‌نامه ریحانه، ش ۴.
کولایی، الهه و محمدحسین حافظیان (۱۳۸۵). «نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی»، مجله پژوهش زنان، دوره چهارم، ش ۱ و ۲.

گرامی‌زادگان، اشرف (۱۳۸۳). «حقوق زنان در برنامه‌های توسعه»، فصلنامه حقوق زنان، ش ۲۵.
مداح، هما (۱۳۸۸). «بررسی انسان‌شناختی تأثیرات پروژه‌های توسعه‌ای در زندگی زنان (مطالعه موردی محله کوی سیزده آبان تهران)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته انسان‌شناسی، دانشگاه تهران.

نفیسی، عبدالحسین (۱۳۸۰). «گزارش تحلیل نظام آموزش عالی»، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
الوانی، سیدمهدی، مژگان ضرغامی فرد (۱۳۸۴). «نقش زنان در توسعه»، تدبیر، ش ۱۱۳.

هنشل مامسن، جنت (۱۳۸۷). جنسیت و توسعه، ترجمه زهره فنی، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
هنشل مامسن، جنت «زنان و توسعه»، گزارش همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی وابسته به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: انتشارات پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا (س).

برنامه توسعه سازمان ملل متحد: www.undp.org

خانه کتاب: www.ketab.ir

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی: www.mporg.ir

شورای فرهنگی اجتماعی زنان: www.iranwomen.org

مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی: www.irphe.ir

مرکز آمار ایران: www.sci.org.ir

مرکز امور زنان ریاست جمهوری: www.women.gov.ir

یونسکو: www.unesco.org

United Nations Development Programme ۲۰۱۱; Human Development Report ۲۰۱۱.

<http://hdr.undp.org/reports/global>